

اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم

----- غلامرضا بهروزی لک* - محمدعلی احمدی**

چکیده

اسلام به‌عنوان یک مکتب و دین جامع مشتمل بر آموزه‌های فرازمانی و فرامکانی به موضوع سیاست خارجی دولت اسلامی نیز توجه ویژه دارد. نوشتار حاضر درصدد تحلیل اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی است با این پرسش که بر اساس قرآن کریم دولت اسلامی در سیاست خارجی خود چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ اگرچه در این زمینه کارهای علمی صورت گرفته، اما این نوشتار با روش استخراجی به دنبال واکاوی اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، به‌عنوان دغدغه اصلی این تحقیق از آیات قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد اهداف سیاست خارجی اسلام در ضمن توجه به استقلال سیاسی و تمامیت ارضی و آبادانی و پیشرفت کشور به‌عنوان اهداف داخلی درصدد تشکیل نظام توحیدی در جهان، مبتنی بر توسعه قدرت، ابلاغ دین، نفی سلطه، دفاع از مظلومان و ایجاد صلح جهانی مبتنی بر اقامه عدالت بر اساس مبانی نظری برگرفته از آیات وحی به‌عنوان اهداف جهانی است که به‌منظور دستیابی به این اهداف، دولت اسلامی سازوکارهای مختلفی را با لحاظ کردن منابع قدرت و شرایط زمانی مورد بهره‌برداری قرار دادند که نیازمند تأمل است.

واژگان کلیدی: دولت اسلامی، اهداف سیاست خارجی، توحید، نفی سلطه، صلح.

۱۵۳

قرآن پژوهی

سال اول / شماره ۴ / تابستان ۱۴۰۱

* استاد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)؛ (behroozlak@gmail.com).

** دکتری قرآن و علوم سیاسی، جامعه المصطفی العالمیه؛ (ahmadi315@yahoo.com).

مقدمه

مسئله سیاست خارجی یکی از امور مهم در اسلام و همچنین امروزه از مباحث مهم رشته روابط بین‌الملل در سطح جهان است. اندیشمندان این رشته در سطح بین‌المللی تلاش دارند با رویکردی علمی و مطالعات هدفمند، رفتار سیاست خارجی کشورها را در عرصه بین‌المللی مورد تحلیل قرار دهد. اهمیت و ضرورت توجه به این مسئله بدان جهت است که اساسی‌ترین کارکرد و وظیفه سیاست خارجی هر کشور تأمین منافع ملی و حفظ امنیت برای آن واحد سیاسی می‌باشد. حصول این امر خود سبب اعتلای یک جامعه و کشور، شکست در آن باعث افول و حتی نابودی آن جامعه خواهد شد. از این رو می‌توان گفت سیاست خارجی یک امر بسیار مهم و حیاتی برای سرنوشت کشورها می‌باشد و شایسته توجه علمی و مطالعات هدفمند برای فهم ابعاد آن ضروری است. از جانب دیگر دین اسلام به‌عنوان یک مکتب دارای آموزه‌های فرامکانی، فرازمانی تحول‌آفرین همیشه منشأ حرکت‌های مختلف تمدنی در عرصه‌های علمی، سیاسی و اجتماعی بوده است و به سیاست خارجی به‌عنوان موضوعی اساسی توجه خاصی داشته‌اند. اما آنچه باعث اهمیت هست، تبیین الگوهای رفتاری اسلام به‌طور عام و موضوع سیاست خارجی به‌طور خاص هستند که در عالی‌ترین شکل آن در تعالیم قرآن کریم و سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تجلی نموده است. به بیان دیگر قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی شناخت و راهنمایی در این مکتب و کتاب جاویدان هدایت بشریت، مبنای تحلیل و تبیین ما از سیاست خارجی در اسلام است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌رغم چالش‌های فراروی اسلام و مشکلات طاقت‌فرسا در منطقه‌ای جزیره‌ای العرب و خارج آن با الهام از دستور قرآن کریم و به‌کارگیری الگوهای رفتاری شایسته در سیاست خارجی خود، موفق گردیدند اسلام را به فراسوی مرزهای آن منطقه گسترش داده و تمدن بزرگ اسلامی را بر اساس الگوی قرآنی پایه‌گذاری نمایند.

بدین جهت ضروری دارد در ضمن مراجعه به تعالیم قرآنی برای دستیابی به مبانی و شناخت اهداف اساسی سیاست خارجی دولت اسلامی، به ابعاد مختلف رفتار سیاست خارجی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و راز موفقیت آن حضرت به‌خصوص در دوره تشکیل دولت اسلامی در مدینه نیز توجه ویژه صورت بگیرد تا بتوان به‌عنوان الگویی کامل و تمام‌عیار، مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به این امر در نوشتار حاضر در پی تبیین اهداف سیاست خارجی اسلامی از منظر قرآن کریم می‌باشیم.

البته طرح اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن مستلزم آن هست که رابطه دین و سیاست مفروض انگاشته شود نه جدای دین و سیاست؛ بدین منظور در این مقاله به‌جای استفاده از

نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل با ارائه چارچوبی مفهومی برای تحلیل سیاست خارجی اسلامی به جهت اختصار در بحث فقط به بیان اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم بسنده می‌شود. با این دغدغه که دولت اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم در سیاست خارجی خود چه اهدافی را دنبال می‌کند؛ چراکه معمولاً هر دولتی عرصه‌های سیاست خارجی خود را بر اساس یک سلسله اهدافی مبنایی و ارزشی مورد قبول خود تنظیم می‌کند و اساس خط‌مشی و دیپلماسی هر دولت و کشور نیز توسط آن اهداف از پیش تعیین‌شده رقم می‌خورد و در عمل نیز راهنمای مجریان و تصمیم‌گیران سیاست در امور خارجی و سطح بین‌المللی قرار می‌گیرد که شناخت آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. هرچند در رابطه با عنوان مقاله به صورت خاص تحقیق صورت نگرفته است؛ اما تحقیقات مختلفی در موضوعات سیاست خارجی در قالب کتاب و پایان‌نامه و مقاله انجام گرفته است مانند: کتاب سیاست خارجی پیامبر ﷺ نوشته سعید جلیلی (۱۳۷۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسایل، تألف منوچهر محمدی (۱۳۷۷)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، سیدعبدالعلی قوام (۱۳۸۰)، کتاب مبنایی اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، سیدصادق حقیقت (۱۳۸۵) و پایان‌نامه، نقش فرهنگ در سیاست خارجی دولت اسلامی، نوشته محمدعلی احمدی (۱۳۹۶) مقاله سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام، عبدالقیوم سجادی (۱۳۷۹) نشر فصلنامه علوم سیاسی، لذا این پژوهش با روش تحلیل استخراجی درصدد پاسخگویی به پرسش اصلی با این پیش فرض می‌باشد که دولت اسلامی به لحاظ دینی بودن مقید به احکام الزامی شرع مقدس؛ سیاست خارجی خود را نیز با توجه به واقعیت براین اساس طراحی خواهد نمود؛ زیرا سیاست خارجی در اسلام یک امر مهم در نشر و ترویج دین اسلام می‌باشد، از این رو سیاست خارجی خود را بر اساس مبنای الهی با اهداف قسط و عدالت و ترویج و تبلیغ اسلام پایه‌گذاری می‌نماید.

الف. مفهوم‌شناسی

۱. سیاست خارجی

سیاست خارجی دولت‌ها عبارت‌اند از یک برنامه‌ریزی کلان و یک‌رشته اعمال از قبل طراحی شده توسط تصمیم‌گیرندگان اصلی دستگاه حاکمیتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی مشخص، در چارچوب تأمین منافع ملی، در سطح نظام بین‌المللی است. به صورت خلاصه می‌توان گفت که سیاست خارجی مشتمل بر تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که

در صحنه بین‌المللی از سوی دولت‌ها دنبال گردیده و صورت می‌پذیرد. در واقع سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در مقابل کنش و عمل دولت‌های دیگر باشد (مقتدر، ۱۳۵۸، ص ۱۳۱-۱۳۲). به تعبیر دیگر می‌توان چنین تعریف کرد که: موضعی را که یک دولت برمی‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی، سیاست خارجی می‌گویند (خوشوقت، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵)؛ زیرا دولت‌ها از زمان قدیم با یکدیگر روابط گوناگونی از نوع: سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته‌اند؛ اما امروزه شبکه این روابط بسیار گسترده و پیچیده‌تر از گذشته می‌باشد و قلمرو وسیعی را در بر می‌گیرد. سیاست خارجی را باید از این انبوه روابط تمیز داد، در حالی که روابط بین‌المللی شامل روابط بین کشورها و دولت‌ها، گروه‌ها و افراد مختلفی می‌شود، اما سیاست خارجی فقط آن دسته از روابط را شامل می‌شود که ابتکار آن با دولت‌ها بوده باشد و از طرف آن تصدی شده باشد. بر اساس این تعریف سیاست یک امری رسمی می‌باشد که هدایت آن به عهده دولت‌ها هستند و از روابط گروه‌ها و افراد که غیررسمی است، متمایز می‌باشد (مقتدر، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵). چون سیاست خارجی تصویر از موقعیت بالفعل یا بالقوه‌ای کشوری در خارج می‌باشد که اصول راهنما و ایستارهایی بر تصمیمات آن کشور است (باربر و اسمیت، ۱۳۸۴، ص ۲۱). بدین جهت ضروری است که منظور از سیاست خارجی اسلامی نیز مشخص گردد که به‌طور خلاصه می‌توان گفت مقصود ما از سیاست خارجی در اسلام، مجموعه فعالیت‌هایی است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ به‌عنوان بنیانگذار و رئیس حکومت اسلامی، سفرای و نمایندگان منتخب ایشان جهت رسیدن به مقصد و ادای وظایف دینی و سیاسی دولت اسلامی و تحقق بخشیدن به خط مشی‌های کلی اسلام در زمینه سیاست خارجی و پاسداری از منافع و حقوق دولت اسلامی در میان قبایل و گروه‌های مختلف و دولت‌های غیر اسلامی در خارج از قلمرو حکومت اسلامی دوران خود انجام داده‌اند (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۴۷) قرآن هم بر پیروی از رسول اکرم ﷺ و اطاعت از فرمایشات آن حضرت و الگو قرار دادن او در تمام ابعاد، تأکید نموده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)، بدین صورت اگر سیاست خارجی را «مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب مواضعی که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چارچوب امورات کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌کند» (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۸) در نظر بگیریم؛ می‌توان سیاست خارجی را به یک مکانیسمی معنی کرد که در چارچوب آن یک دولت، اهداف خود را از طریق برقراری روابط دوستانه، همکاری، معامله و احیاناً هم اعمال زور و

استفاده از ابزارهای مختلف فشار، دوستی و ستیز نسب به دول دیگر در عرصه‌ای بین‌الملل به پیش می‌برد.

۲. دولت اسلامی

دولت یک واژه عربی است که از مصدر «دول» به معنای جابه‌جایی چیزی از جایی به جای دیگر است. هرچند امروزه واژه عربی دولت و واژه لاتینی «state» هر دو به یک معنا به کار برده می‌شود اما این دو دانش واژه از نظر ریشه و منشأ معنای کاملاً متضادی دارد. چون دولت باریشه عربی به معنای تحول و دگرگونی و از حالتی به حالت دیگر درآمدن بوده و باریشه لاتین state، به معنای ثبات، استقرار و ایستادگی است (لواسانی، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

در اصطلاح هرچند مفهوم دولت معناهای مختلفی گردیده (شجاعی‌زند، ۱۳۷۶، ص ۴۳)؛ اما در ادبیات فارسی دولت به سه معنا به کار رفته‌اند که در هر کدام به عناصری خاصی توجه شده است از جمله: ۱. کارمندان دولت؛ ۲. هیئت‌وزیران یعنی دولت به معنای هیئت دولت؛ ۳. کشور؛ در این معنا واژه دولت، به معنای کشور، آن‌گونه که در عرف و حقوق بین‌الملل نیز شناخته شده است به کار برده می‌شود. (عالم، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶) که منظور ما هم از دولت در این نوشته همان کشور و حاکمیت مستقل می‌باشد که دارای استقلال هرچند نسبی در محدوده قلمرو حاکمیتی خود است و اقدام به وضع و اجرای قانون می‌کنند، از حاکمیتی برخوردارند که به صورت روح حاکم و قدرت عالی آنها را از تعرضات داخلی و خارجی مصون می‌دارد (جمالی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶). بدین جهت مفهوم دولت به همان معنایی امروزی آنکه به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر سیاسی در صحنه سیاست بین‌الملل از عناصر مختلف مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت تشکیل می‌شود، است؛ بنابراین دولت، ملت، کشور یا سرزمین سه عنصر پایداری هستند که سه رأس یک مثلث را تشکیل می‌دهند و موجودیت هریک وابسته به دیگری هستند، اما حکومت یک عنصر متغیر است که شکل آن بر اساس مقتضیات زمان، مکان و تجربه تاریخی جامعه انسانی تعیین می‌گردد، ماهیت و محتوای حکومت توسط شارع و شریعت، منابع دینی در جامعه اسلامی مشخص می‌شود؛ که در مجموع و به‌طور خلاصه می‌توان گفت امروزه دولتی که در چارچوب احکام الزامی شرع مقدس اسلام عمل کند، دولت اسلامی محسوب می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۲۴) که در ادامه به بحث اهداف سیاست خارجی خواهیم پرداخت زیرا سیاست خارجی دولت اسلامی نیز در چارچوب ارزش‌های اسلام و باهدف ابلاغ رسالت و دعوت و صلح و امنیت جهانی طراحی می‌گردد.

ب. انواع اهداف سیاست خارجی

هرچند در تاریخ سیاسی نظام بین‌الملل همه‌ای نظام‌های سیاسی داری برنامه و ایدئولوژی، اهداف سیاست خارجی خود را در چارچوب آرمان‌ها و باورهای موردپذیرش خود تعریف و دنبال می‌نمایند؛ اما در حقیقت ایدئولوژی خود یک چارچوب ذهنی را به وجود می‌آورد تا بر اساس آن سیاست‌گذاران، واقعیت‌ها را درک و تبیین نمایند. چون با این روند اطلاعات و پیام‌های رسیده از محیط بین‌المللی مفهوم و معنا پیدا کرده و در طبقه‌بندی خاصی مورد تفسیر و تبیین قرار می‌گیرد (قوام، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴). در حقیقت اهداف سیاست خارجی را تصمیم‌گیرندگان اصلی و رسمی دولت تبیین و تعیین می‌کنند تا وضع بین‌المللی موجود را به نفع منافع ملی خود تغییر دهند و یا در حفظ آن بکوشند. اهداف سیاست خارجی^۱ حاصل تحلیل مقاصد^۲ و وسایل^۳ نیل به اهداف می‌باشد. اگرچه اهداف روشن و واقعی سیاست خارجی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، همه کشورهای دارای اهداف کوتاه‌مدت، میانه و بلندمدت است:

۱. هدف‌های کوتاه‌مدت^۴ و حیاتی: منافع و ارزش‌های حیاتی از جمله این اهداف کوتاه‌مدت به شمار می‌آیند و غالباً با حفظ موجودیت یک واحد سیاسی ارتباط اساسی دارد؛ چراکه مشخص است که واحدهای سیاسی بدون حفظ موجودیت خود نمی‌توانند به دیگر اهداف دست یابند. تعیین دقیق ارزش یا منافع حیاتی در کشوری خاص، بستگی به ایستارهایی سیاست‌گذاران آن کشور دارد. به‌عنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استقلال، امنیت ملی، یکپارچگی سرزمین، رفاه اقتصادی، حفظ و تقویت شیوه زندگی، این هدف‌های فوری هستند که شامل هدف‌های بیشتر می‌شوند.

۲. هدف‌های میان‌مدت: این هدف‌ها زمان‌بر هستند و بعد از اهداف کوتاه‌مدت دارای اولویت‌اند. همانند: سلطه منطقه‌ای، ترویج ارزش‌ها در خارج، تضعیف مخالف و توسعه فرصت‌های اقتصادی در خارج مرزهای کشور.

۳. هدف‌های بلندمدت: عبارت‌اند از طرح‌ها و رویاهای مربوط به دستگاه حاکمیت یا ایدئولوژیک غایی نظام بین‌الملل، قواعد حاکم بر روابط درون نظام و نقش دولت‌های خاص در این

1. Foreign Policy Objectives.
2. Ends.
3. Means.
4. Short-range objectives.

نظام می‌باشد. هرچند تفاوت میان اهداف میان‌مدت و بلندمدت، تنها به تفاوت در عامل زمان که ذاتی آنها می‌باشد، مربوط نمی‌شود بلکه همچنین میان آنها تفاوت اساسی از حیث قلمرو وجود دارد. دولت‌ها به هنگام پافشاری بر اهداف میان‌مدت، درخواست‌هایی خاص از دولت‌هایی خاص در سطح ملی می‌باشد؛ اما در تعقیب اهداف بلندمدت، درخواست‌های دولت‌ها غالباً در سطح جهانی است (سجادپور، ۱۳۸۳، ۶۰-۵۶) اگرچه هر دولتی با توجه به خواست‌ها و نیازهای خود، می‌تواند هدف‌های متنوع و مختلفی را برای سیاست خارجی دولت خود بر اساس ایده و نیازهای خود ترسیم و دنبال نماید که دولت اسلامی نیز در ضمن توجه به این هدف‌ها اهداف اصلی بر مبنای رسالت دینی اسلامی خود دارد که در قالب این اهداف کوتاه مدت و میان و بلند مدت دنبال می‌نماید از جمله رساندن و ابلاغ پیام الهی به بشریت: «أَتَمَّا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (مانده: ۹۳) و «وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام: ۱۹) این آیه خود رسالت جهانی اسلام را بیان می‌کند، همچنین دعوت به توحید و تشکیل نظام توحیدی «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران: ۶۴) و تأمین سعادت بشر: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ...» (بقره: ۲۱۳) همچنین که این مأموریت رسالت ابلاغ و اجرای دین الهی و سعادت بشریت بر عهده پیامبر اکرم ﷺ به عنوان فرمانروای حکومت و رهبر مردم بود و این اهداف را در چارچوب سیاست خارجی دنبال می‌کرد که امروزه نیز دولت اسلامی موظف به اجرای این اهداف در این قالب است.

ج. اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی

برخلاف نظام‌های سیاسی دیگر که در آن قدرت ذاتاً اصالت دارد و مستقلاً خود هدف است، در اسلام قدرت و گسترش آن در ذات خود هدف نبوده و نیست و نگاه اسلام به قدرت نگاه ابزاری می‌باشد؛ یعنی قدرت ابزاری است برای رسیدن به اهداف متعالی و رشد و تربیت جامعه بشری؛ چنانچه که امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به ابن عباس می‌فرماید: «ما قِیمَةُ هَذَا النِّعْلِ؟ فَقُلْتُ: لَا قِیمَةَ لَهَا فَقَالَ علیه السلام: وَلِلَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا وَادْفَعُ بَاطِلًا؛ امام علی علیه السلام خطاب به ابن عباس فرمود: ارزش این لنگه کفش چند است؟ گفتم: ارزشی ندارد؛ فرمود: به خدا قسم این را از حکومت بر شما دوست دارم مگر آنکه حقی را برپا دارم و یا باطلی را براندازم» (نهج البلاغه، خطبه ۳۳).

قدرت، چه در قلمرو داخلی و چه در حوزه سیاست خارجی از دیدگاه اسلام ارزش ذاتی ندارد و

ارزش آن در آن است که از آن به‌عنوان ابزار در راه نشر و ابلاغ دین الهی و هدایت و اصلاح سازی جامعه و خیر و صلاح انسان‌ها بهره گرفته شود و حقی احیا و باطلی را از بین بردارد همچنین که در آیات قبل نیز بیان گردیده است. از این رو اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، به یک اعتبار به دو بخش داخلی و جهانی قابل دسته‌بندی و تقسیم می‌باشد که در ادامه بدان اشاره می‌گردد:

۱. اهداف داخلی سیاست خارجی دولت اسلامی

بخشی از اهداف سیاسی خارجی دولت اسلامی مربوط به امور داخلی دولت اسلامی می‌شوند که این اهداف، به‌نوعی منافع حیاتی و ضروریات اولیه دولت اسلامی را مانند آبادانی و عمران، تأمین و حفظ امنیت قلمرو حاکمیت، استقلال و... را در بر می‌گیرد که امروزه از آن به «منافع ملی» تعبیر می‌شود. چون به تعبیر برخی اندیشمندان «منافع و ارزش‌های حیاتی یک جامعه غالباً با حفظ موجودیت یک واحد سیاسی بیشترین ارتباط را پیدا می‌کند و این منافع و ارزش‌ها، هدف‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت را تشکیل می‌دهد» (هالستی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱). همچنان که همه دولت‌ها این اهداف را در سیاست‌گذاری‌های کلی خود مورد توجه قرار داده دنبال می‌کند. دولت اسلامی نیز در سیاست خارجی خود در ضمن برقراری ارتباط عادلانه با دول دیگر توجه در جهت تأمین نیازمندی‌های داخلی، دفاع از منافع و تمامیت ارضی کشور و منافع ملت، دفاع از استقلال کشور اسلامی در سطح کلان در سیاست خارجی دنبال می‌نماید؛ چراکه در اسلام یکی از اهداف اساسی سیاست خارجی دولت اسلامی، عدم سلطه و نفی سبیل است که متضمن عزت، سیادت و کرامت انسانی و اسلامی مسلمانان و جامعه اسلامی است: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزواً و لعباً من الذین اوتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء و اتقوا الله ان کنتم مؤمنین»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با آن گروه از کفار و اهل کتاب که دین شما را به سخریه گرفته، بازیچه‌اش پندارند دوستی نکنید و از خدا پرهیزید اگر مردمی باایمانند». (مانده: ۵۷) این امر هم مورد اتفاق علمای اسلامی است (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹). یعنی دولت اسلامی در ضمن توجه به آموزش و تربیت و پیشرفت جامعه، برقراری و اجرای عدالت، تأمین رفاه اجتماعی و آبادانی کشور موظف هستند از هرگونه عملی که راه نفوذ کفار را برای تسلط بر مسلمین می‌گشاید، خود داری کنند و پیشاپیش راه‌های نفوذی آنان را با تدبیر و سیاست ببندند.

۲. اهداف جهانی

بخشی از اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی به‌عنوان یک مکتب و نظام دارای ایدئولوژی

فراج جهانی، متوجه مسئولیت‌های فراملی نظام سیاسی اسلام می‌باشد که بُعد جهانی دین مبین اسلام را پوشش می‌دهد. بدین جهت، باید دولت اسلامی سیر حرکتی سیاست خارجی خود را به شکلی ترسیم و هدف‌گذاری نماید که هم نیازهای معنوی و هم نیازهای مادی ملت و ضروریات اولیه یک جامعه را مانند امنیت، استقلال در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، همچنین رفاه و معیشت مردم جامعه و... را تأمین نماید و هم مسئولیت‌های فراملی که بخش انفکاک‌ناپذیر اندیشه سیاسی اسلام را تشکیل می‌دهد، مورد غفلت واقع نشود؛ زیرا دولت اسلامی نمی‌تواند همچون دولت‌های غیر اسلامی تنها ضروریات مادی و منافع ملی خود را معیار عملکرد سیاست خارجی خود قرارداد به دنبال تأمین و حفظ آن از هر طریقی بشود بلکه مسئولیت‌های فراملی و جهانی اسلام را با توجه به مبانی، رسالت جهانی اسلام در نظر گرفت و اهداف سیاست خارجی خود را بر اساس اولویت‌ها و شرایط تنظیم نمود؛ که در ذیل به برخی مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی را در سطح جهانی اشاره می‌گردد:

یک. تحکیم و توسعه قدرت

یکی از اهداف سیاست خارجی دولت‌ها در سطح نظام جهانی تحکیم و همچنین توسعه قدرت ملی به‌عنوان یک هدف مهم و اساسی دولت است به‌نوعی دارای ارزش ذاتی محسوب می‌شود اما در نظام سیاسی اسلام این اهداف دارای ارزش ذاتی نیست، بلکه تنها بستر لازم را فراهم می‌کند تا دولت اسلامی در سایه آن بتواند اهداف متعالی خود را تحقق بخشده و در سطح جهانی دنبال نماید. قدرت ملی بر اساس یک تعریف، عبارت است از: توان به‌فعلیت رساندن همه امکانات مادی و معنوی یک کشور در جهت تأمین حداکثری منافع ملی و ایجاد زمینه‌های مناسب، برای انجام مسئولیت‌های الهی و انسانی جامعه که این خود دربردارنده مؤلفه‌های مؤثر در قدرت ملی یک کشور، اموری همچون فرهنگ غنی، توان اقتصادی بالا، جمعیت، سرزمین و... را می‌باشد که جوامع اسلامی دارای همه این موارد هستند تنها چیزی که امروزه وجود ندارد وحدت رویه سیاسی یا حکومت واحد اسلامی است؛ با توجه بر اینکه دین اسلام اهتمام خاصی به اقتدار مسلمانان در تمامی عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی دارد. قرآن کریم مسلمانان را مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...»؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما

نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید». (انفال، ۶۰) در حقیقت این سازوکار لازم را اسلام برای پیشرفت همه‌جانبه جامعه اسلامی بیان نموده است چراکه حیات جامعه اسلامی بدون قدرت کافی و استحکام آن؛ در شرایط ظالمانه و ناعادلانه جهان امروز با چالش اساسی مواجه خواهد شد، حال چه رسد به اینکه به دنبال تحقق رسالت‌های خود در سطح جهانی نیز باشد. بدین جهت آیه مذکور سخن از جنگ به میان نیاورده بلکه تنها آیه‌ای می‌باشد که به قدرت‌نمایی تجهیزات نظامی و امکانات ظاهری پرداخته است چون مانور نظامی و قدرت‌نمایی عامل اصلی بازدارندگی دشمنان در سطح بین‌الملل هستند؛ لذا آیه مبارکه تأکید بر آمادگی کامل مسلمانان از قبیل تجهیزات نظامی و امکانات و قدرت در مقابل دشمنان دارد. همچنین آیه به دشمنان ناشناخته‌ای اشاره کرده است که در واقع دستورالعملی دائمی به مسلمانان هست که همواره از نظر ظاهری و قدرت مانور به حدی باشند که دشمنان اسلام جسارت و فکر حمله به خود ندهد و این قدرت آمادگی جوامع اسلامی را از تعرض دشمن بازمی‌دارد؛ زیرا پیشبرد غالب اهداف و نیات دولت اسلامی در سیاست خارجی، تابعی از قدرت و اقتدار دولت است، اما تفاوت دولت اسلامی با دولت‌های ملی در این است که دولت‌های ملی قدرت را تکیه‌گاه اصلی برای دست‌یابی به منافع ملی می‌دانند ولی دولت اسلامی قدرت را تکیه‌گاه مسئولیت‌های فراملی و ارزشی و منافع متقابل می‌داند (حقیقت، ۱۳۸۵، ۱۹۲)؛ زیرا از نظر اسلام قدرت تنها سازوکار لازم نیست برای پیشرفت و استحکام جامعه و دولت بلکه همراه ایمان و ارزش‌های اخلاقی سبب نفوذناپذیری و استحکام دولت برای پیشرفت جامعه می‌گردد.

دو. ابلاغ رسالت و دعوت

یکی دیگر از اهداف مهم در سیاست خارجی دولت اسلامی ابلاغ و رساندن پیام دین و آیات الهی به کل بشریت در سراسر جهان و دعوت به دین اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «أَتَمَّا عَلٰی رَسُوْلِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِيْنُ» (مائده: ۹۳) «وَأُوْحِيْ اِلَيْ هٰذَا الْقُرْاٰنُ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَ مِّنْ بَلٰغٍ» «این قرآن بر من وحی شده تا شما و تمام کسانی را که سخنان من در طول تاریخ بشر و پهنه زمان و در تمام نقاط جهان به گوش آنها می‌رسد از مخالفت فرمان خدا بترسانم» (انعام: ۱۹). توجه به کلمه «و من بلغ» در حقیقت به تمام کسانی که این سخن به آنها می‌رسند، رسالت جهانی دین اسلام و قرآن و دعوت عمومی، همگانی آن را اعلام می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۱۷۹-۱۸۰) بدین جهت یکی از اساس و مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی پیامبر اسلام ﷺ دعوت تمامی مردمان آن روزگار

به دین اسلام بود. از این رو پیامبر اکرم ﷺ نه تنها مردم مکه، حجاز و شبه جزیره عربستان را به اسلام دعوت نمود بلکه طبق فرمان خداوند متعال دعوت خویش را حتی به خارج از شبه جزیره عربستان از حبشه، مصر تا روم و ایران و نقاط دیگر جهان و دولت‌های وقت رساند. (جلیلی، ۱۳۷۴، ۳۶)

زیرا توحید پرستی و تشکیل نظام سیاسی توحیدی در جهان یکی از اهداف اصلی در سیاست خارجی اسلام بود و است بدین لحاظ دعوت اولیه پیامبر گرامی اسلام ﷺ در دوران دعوت سری و علنی بر توحید و یگانگی خداوند استوار بود. لذا هنگامی که پایه‌های اسلام، در میان بستگان نزدیک پیامبر اکرم ﷺ و سپس قوم عرب مستحکم گردید، پیامبر اکرم ﷺ مأموریت گسترده‌ای یافتند و مأمور انذار جهانیان شدند و به خاطر همین مأموریت بود که پیامبر اسلام ﷺ نامه‌های به سران بزرگ جهان آن روز در خارج از شبه جزیره عربستان نوشتند و دعوت به اسلام و توحید نمودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲۰، ۳۸۰-۳۸۱) و به آیه ۶۴ سوره آل عمران اشاره می‌فرمودند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سوا بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شیئا؛ بگوای اهل کتاب بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است، پیروی کنید که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم» (آل عمران: ۶۴) همچنین می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ «بگو: ای مردم، من فرستاده خدا بر همه شما هستم. آن خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و هیچ خدایی جز او نیست، اوست که زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خدا و رسول او، آن پیامبر امی که به خدا و کلمات او ایمان دارد، ایمان بیاورید و از او پیروی کنید، باشد که هدایت شوید» (اعراف: ۱۵۸).

۱۶۳

قرآن پژوهی

اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم

بنابراین هدف اصلی سیاست خارجی دولت اسلام دعوت همه جهانیان به اصل توحید بوده و هست و تمامی راهبردهای پیامبر اکرم ﷺ نیز برای اعتلای و حاکمیت کلمه توحید در کل جهان اختصاص داشته است (جلیلی، ۱۳۷۴، ص ۴۴) بدین جهت قرآن کریم تصریح می‌کند: «و ما ارسلناک الا کافة للناس بشیرا و نذیرا...؛ ما تو را نفرستادیم مگر برای انذار همه مردم جهان» (سبأ: ۲۸) همچنین روایات متعددی در تفسیر آیه مذکور در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است که آیه شریفه را در راستای جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام ﷺ تفسیر می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۱۸، ص ۱۰۴-۱۰۶) لذا یکی از اهداف مهم سیاست خارجی دولت و نظام اسلامی در سطح بین‌المللی ابلاغ رسالت و دعوت به اسلام ناب و دین توحیدی است که باید از طریق دیپلماسی

سیاسی و فرهنگی در سطح جهانی در چارچوب سیاست خارجی پیگیری شود.

سه. ایجاد وحدت و همگرایی دول اسلامی

یکی از اهداف مهم دیگر سیاست خارجی دولت اسلامی ایجاد وحدت و همگرایی جوامع اسلامی در جهت حرکت امت واحده جهانی است که بر مبنای آیات الهی یکی از اهداف اساسی اسلام مانند سایر ادیان بزرگ الهی؛ هدایت و اصلاح کلیت جامعه بشری در فراخنای جهان هستی، بدون توجه به محدوده جغرافیایی و مرزهای ساختگی امروزی هست؛ زیرا تئوری «امت واحده» راهبرد مهمی است که اسلام برای وحدت بخشی جوامع بشری ارائه نموده و در قالب این تئوری، خداوند همه بشریت را یک امت واحد تلقی کرده است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (بقره: ۲۱۳). چون بشر در آغاز امت واحدی بودند؛ اما منازعات منفعت طلبی برخی افراد، میان قومیت‌ها و ملت‌ها دولت‌ها، تضادهای بین کشورها، ذهنیت‌ها و باورهای ناهمگن، در یک فراگرد وسیع و گسترده، بستر فروپاشی و نابودی مقوله امت یگانه بشری را فراهم آورد. به همین خاطر ادیان الهی و از جمله اسلام، همه دولت‌ها و حکومت‌ها را فراتر از مرزهای جغرافیایی و منطقه‌ای و نژادی به یک دین و دولت واحد با مرکزیتی یگانه بر محور توحیدگرایی فرا می‌خواند همچنان که در آغاز رسالت اسلام، پیامبر اکرم ﷺ به حکام حبشه، یمن، روم، ایران، مصر و... نامه می‌نوشتند و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد بر اساس توحید پرستی در جامعه بشری دعوت نمودند. پیامبر اسلام ﷺ در بسیاری از نامه‌ها و از جمله نامه خود به کسری، شخصیت و رسالتش را چنین معرفی می‌کند: «من پیامبر خدایم که به سوی همه مردم جهان فرستاده شده‌ام تا هرکسی را که زنده است هشدار دهم» (احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ص ۹۰). در واقع رویکرد جهان شمولانه و جهان‌وطنانه سیاست خارجی اسلام علاوه بر سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ مورد تصریح قرآن کریم نیز هست (انعام: ۱۶۵). زیرا یکی از اهداف مهم سیاست خارجی دولت اسلامی ایجاد امت واحده جهانی و همگرایی دول اسلامی بر مبنای کلمه توحیدی اسلام است که باید در اولویت سیاست‌گذاری نظام اسلامی مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا وحدت جوامع اسلامی بر توانایی و مقاومت جامعه در تقابل با تنش‌ها و بحران‌ها و برخورد با دشمنان خارجی می‌افزاید. قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که وحدت مایه استواری و نیرومندی و اختلاف موجب شکست و سستی است «وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَسْلُبُوا وَ تَذَهَبَ رَيْحُكُمْ» (انفال: ۴۷). بدین جهت منازعات و اختلافات شأن و منزلت امت و کشورهای اسلامی را متزلزل می‌سازد.

چهار. نفی سلطه مستکبرین و دفاع از مظلومین

برپایی جامعه مطلوب مورد قبول دین از لحاظ روابط انسانی مستلزم روابط سالم در سطح اجتماعی و بین‌المللی است که از هرگونه ظلم و تعدی به‌دور باشد؛ چراکه جامعه‌ای که در مسیر سعادت، رشد و کمال انسانی در حرکت است ناگزیر می‌باشد هر نوع روابط ناعادلانه و تبعیض‌آمیز را نفی و به‌جای آن روابط عادلانه سالم و به‌دور از تعدی و ظلم را با رعایت حقوق همگان جایگزین نماید (موسوی، ۱۳۸۲، ص ۴۴). لذا دین اسلام نه تنها ظلم را نهی می‌کند بلکه پذیرش ظلم و زیر بار ظلم رفتن را نیز محکوم می‌نماید و برای آن مجازاتی سختی را در نظر می‌گیرد (عمید زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۶۸).

از جانب دیگر سلطه کفار بر مسلمانان باعث تحقیر و ذلت مسلمانان در مقابل دیگران خواهد شد که این امر با اهداف عالی‌ه اسلام و رسالت پیامبر اسلام کاملاً مغایرت دارد؛ زیرا قرآن و همچنین پیامبر اکرم ﷺ مسلمانان را دارای عزت معرفی می‌نماید. «ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین» (منافقون: ۸). بر اساس تصریح این آیه شریفه عزت برای خدا، پیامبر و مسلمانان می‌باشد، لذا راه هرگونه سلطه و نفوذ همچنین برتری‌خواهی کفار بر مسلمانان از نظر تشریحی نفی گردد و یکی از شاخصه‌های کامل و جامع بودن دین اسلام نیز همین امر است. از این رو، اصل نفی سلطه کفار بر مسلمین که از آیات فوق و سنت معصومان علیهم‌السلام «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۲۱) استخراج می‌گردد و عقل نیز آن را تأیید می‌کند، یکی از اصول مهم و اساسی حاکم بر روابط دولت اسلامی با غیر اسلامی است مبنی بر اینکه راه سلطه و نفوذ کفار بر بلاد اسلامی را در تمامی ابعاد سلطه می‌بندد و جلو هرگونه نفوذ و سلطه را می‌گیرد. بدیهی است که مراد از عدم جعل طریق برای کافران بر مسلمانان، جعل تشریحی است نه تکوینی؛ بدین معنا که خداوند به احکامی که تضمین‌کننده تسلط کفار بر مسلمین باشد، مشروعیت نداده است. براین اساس آیه نفی سبیل به‌عنوان اساس روابط خارجی دولت اسلامی مطرح می‌گردد، حتی به قول برخی از پژوهشگران بر سایر آیات حاکم است. (شکوری، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۸۴) برای نمونه اگر دولت اسلامی با غیرمسلمانان عهد و پیمانی را منعقد کند به‌حکم صریح قرآن مبنی بر وجوب وفای به عهد «اوفوا بالعهود»، (اسراء: ۳۴) لازم است که دولت اسلامی به میثاق و پیمان منعقدشده پایبند باشد؛ زیرا به تصریح این آیه شریفه مانند غالب آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت کرده شامل عهدهای فردی و اجتماعی و بین‌قبیله‌ای و قومی و امّتی و دولت‌ها است، بلکه از نظر اسلام

۱۶۵

قرآن پژوهی

اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم

وفای به عهدهای اجتماعی مهم تر از وفای به عهدهای فردی است، برای اینکه عدالت اجتماعی مهم تر و نقض آن بلائی عمومی تر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۵۹)؛ اما اگر این پیمان موجب استیلاى سیاسى، نظامى و فرهنگى کفار بر مسلمانان و جوامع اسلامى گردد فاقد اعتبار است و از ذیل وجوب وفای به عهد خارج خواهد شد؛ از این رو بر اساس اصل نفی سبیل، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر امت و بلاد اسلامى در حوزه‌های مختلف فرهنگى، سیاسى، اقتصادى و نظامى باید سد گردد (موسوى بجنوردى، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۷).

بنابراین می‌توان گفت قاعده نفی سلطه بیانگر دو جنبه سلبى و ایجابى هستند که جنبه سلبى آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر سرنوشت و مقدرات سیاسى، اجتماعى مسلمانان می‌باشد و جنبه ایجابى آن بیانگر وظیفه دینى امت اسلامى در حفظ عزت و استقلال جوامع و امت اسلامى و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگى به بیگانگان می‌باشد (دهشیرى، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۶۳). همچنین دفاع از مظلومان و وظیفه دولت اسلامى است که در سیاست خارجى خود باید دنبال نماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»؛ «چرا در راه خدا و به خاطر مردان و زنان و کودکان ناتوانى که مى‌گویند: ای پروردگار ما، ما را از این قریه ستمکاران بیرون آر و از جانب خود یار و مددکاری قرار ده، نمى‌جنگید؟» (نساء: ۷۵). بدین لحاظ دولت اسلامى باید روابط خارجى خود را با غیر مسلمانان به‌گونه‌ای تنظیم کنند که زمینه‌های سلطه و برتری کفار بر مسلمانان را فراهم نیاورد و همچنین در جهت حمایت از مستضعفین و مظلومین در سطح بین‌الملل و استقرار دولت مطلوب و عاری از هرگونه ظلم و تعدی حرکت نماید.

پنج. ایجاد صلح و امنیت جهانی

همچنان که بیان گردید یکی از اهداف از مهم ارسال پیامبران برقراری عدالت و قسط در جهان به چرکه این امر به معنای واقعی خود برقراری صلح و امنیت را به همراه دارد. بدین لحاظ نوعی تلازم و رابطه دوطرفه میان استقرار عدالت و صلح و امنیت در سطح جهان وجود دارد چنان‌که نزاع و جنگ؛ ناشی از برتری طلبی، تمامیت‌خواهی و تعدی می‌باشد. لذا در شرایطی که این مسائل تعدیل گردیده و تحت کنترل درآمد جامعه با صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز نزدیک خواهد شد (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۸۱-۱۷۵).

چنانچه قرآن کریم در آیات متعدد بعد از اشاره به دو گروه مؤمنان خالص و منافقان مفسد، مؤمنان

را به صلح و سلام و تسلیم در مقابل فرمان الهی دعوت می‌نماید: «یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه» (بقره: ۲۰۸) از دعوت همگانی و عام این آیه شریفه که همه‌ای مؤمنان را بدون استثناء از هر منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی، زبان و نژاد به صلح دعوت می‌کند، استفاده می‌گردد که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن، همه‌جا آشکار گردد، ممکن است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۲). بدین لحاظ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق وحی، خطوط اصلی صلح و امنیت عمومی را در جامعه ترسیم می‌نمودند و خود آن حضرت نیز در کشمکش‌های خارجی، خطوط ترسیم‌شده را مجسم و عملی می‌ساختند (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۶۰۵) همچنان که آن حضرت صلی الله علیه و آله جهت ایجاد انگیزه در مخالفان برای مذاکره و توافق‌های اصولی و کشاندن آنها به مذاکرات صلح‌آمیز از توافقی‌های جزئی در مورد قدر مشترک‌ها صرف‌نظر نمی‌نمودند تا با توافق در زمینه مسائل فرعی راه را برای رسیدن به توافق‌های اصولی‌تر و بیشتر هموار می‌نمودند (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹). همچنان که قرآن نیز بر این امر تأکید می‌نماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست» (انفال: ۶۱).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اهداف مذکور فوق تنها بخشی از اهداف مهم سیاسی سیاست خارجی دولت اسلامی را در برمی‌گیرد که در تاریخ تحولات سیاسی اسلام صلی الله علیه و آله تلاش‌های وافری نمودند جهت برقراری صلح و امنیت و پایداری آن در فضای ناامن جزیره العرب آن روز، لذا برنامه‌ریزی‌های مختلفی آن حضرت در امور توسعه سیاسی، امنیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل تحلیل است. هرچند این نکته را باید مورد توجه قرار داده یادآور شد که در همه‌ای این اهداف مذکور تفاسیر و تعبیر مبتنی بر احکام دین و حاکمیت قرآن کریم است؛ لذا نحوه اجرایی تحقق این اهداف سیاست خارجی در دولت اسلامی با سایر دولت‌های غیر اسلامی متفاوت خواهد بود. بدین جهت اهدافی مانند تشکیل نظام توحیدی، گسترش عدالت، نفی سلطه، دفاع از محرومین و مستضعفین، احیاء حاکمیت ارزش‌ها و فضایل معنوی و دینی در زندگی بشر، تکریم انسان و سعادت او، ظلم‌ستیزی و... به‌عنوان اهداف بلندمدت و به تعبیری اهداف جهانی و خاصی سیاست خارجی در دولت اسلامی می‌باشد که امروزه باید توسط امت اسلامی در سطح دولت‌های اسلامی دنبال و پیگیری شود چنانچه در دولت مدینه قابل مشاهده بود (احمدی، ۱۳۹۶، ص ۴۵).

نتیجه گیری

به عنوان نتیجه بحث می توان گفت بعد از تبیین مفاهیم با طرح این پرسش که اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی از منظر قرآن کریم چیست به بحث پرداختیم که اساس تحلیل و تبیین این تحقیق نیز از سیاست خارجی اسلام مبنی بر آموزه های قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت بشریت در ضمن توجه به سیره عملی پیامبر اسلام ﷺ به عنوان کامل ترین و بهترین اسوه و الگوی ارائه شده در اسلام و واقعیت های موجود در سطح نظام بین المللی بود که بعد از بررسی به این دست آورد رسیدیم که مهم ترین اهداف سیاست خارجی در نظام سیاسی اسلام به دو بخش کلی قابل دسته بندی است که بخشی از این اهداف به منافع حیاتی و ضروریات اولیه جامعه و دولت اسلامی برمی گردد همانند آبادانی و عمران شهرها، توسعه اقتصادی و تأمین امنیت و استقلال و... را در برمی گیرد که بدان منافع داخلی یا «ملی» اطلاق می شود که به نوعی اهداف میان مدت است. بخشی از اهداف دیگر سیاست خارجی در دولت اسلامی در حقیقت متوجه مسئولیت های فراملی و به تعبیری بیرون مرزی نظام سیاسی اسلامی بوده که اهداف بلندمدت است و جنبه جهانی دین مبین اسلام را به عنوان يك نظام ایدئولوژیک اسلامی، پوشش می دهد.

بدین لحاظ اهداف سیاست خارجی در اسلام همانند تشکیل نظام توحیدی جهانی در قالب بیرون داد تحکیم و توسعه قدرت، ابلاغ پیام دین و رساندن آیات و دستورات الهی، نفی سلطه، دفاع از مظلومان، ایجاد صلح و برقراری امنیت مبتنی بر یک سلسله اصول بنیادین و زیربنای اساسی و نظری برگرفته از آیات قرآن به عنوان منابع تعالیم اسلامی طراحی و ترسیم شده هست که به جهت دستیابی به این اهداف دولت اسلامی سازوکارهای لازم و متعددی را بر مبنای منابع قدرت در سیاست خارجی و وضعیت جهان اسلام و شرایط جهانی و محیط بین الملل مورد توجه قرار داده بهره برداری می نماید که ذکر این سازوکارها از عهده این تحقیق خارج است. لذا به کارگیری الگوهای رفتاری شایسته متناسب با تعالیم اسلامی در سیاست خارجی دولت اسلامی همچنان که بزرگان و اندیشوران اسلامی تأکید می نمایند؛ در جهان امروزی برای وحدت و هم گرایی دول و جوامع اسلامی و گسترش تمدن بزرگ اسلامی یک امر ضروری و لازم است.

منابع و مأخذ

❖ قرآن کریم.

۱. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، بی جا، نشر یس، ۱۳۶۳ ش.
۲. احمدی، محمدعلی، نقش فرهنگ در سیاست خارجی دولت اسلامی، پایان نامه، قم: جامعه الصطفی، ۱۳۹۶ ش.
۳. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چ ۲۴، تهران: نشر مروارید، ۱۳۹۴ ش.
۴. باربر، جمیز و میکمل اسمیت، ماهیت سیاست خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه: سیدحسین سیف زاده، چ ۳، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴ ش.
۵. جلیلی، سعید، سیاست خارجی پیامبر ﷺ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۶. جمالی، حسین، تاریخ و اصول روابط بین الملل، تهران: نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۰ ش.
۷. جوان آراسته، حسین، مبانی حاکمیت دینی در قانون اساسی، تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۳ ش.
۸. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم: نشر موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ ق.
۹. حقیقت، سیدصادق، مبانی اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی، بیانیه «گام دوم انقلاب»، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، khamenei.ir، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. خوشوقت، محمدحسین، تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی، تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ ش.
۱۲. دهشیری، محمدرضا، اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی، مجموعه مقالات، قم: نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. سبحانی، جعفر، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه: داود الهام، قم: مؤسسه علمی فرهنگی سیدالشهدا، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. سجادیپور، محمدکاظم، چارچوب های مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران، تهران: نشر وزارت امور خارجه، چ ۲، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. سجادی، عبدالقیوم، سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۱، ۱۳۷۹ ش.

۱۶. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: نشر انقلاب اسلامی، چ ۸، ۱۳۶۹ش.
۱۷. شجاعی زند، علی رضا، مشروعیت دینی و اقتدار سیاسی دین، تهران: تبیان، ۱۳۷۶ش.
۱۸. شفیعی سروستانی، ابراهیم، قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی (آسیب‌ها و بایسته‌ها «پژوهش و گفتگو»)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۱۹. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، تهران: نشر نورا، ۱۳۹۴ش.
۲۰. شیخ صدوق، ابوجعفر محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۵ش.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۲۲. عالم، عبدالرحمان، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چ ۱۳، ۱۳۸۴ش.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۲۴. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: سمت، ۱۳۷۹ش.
۲۵. عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: نشر المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۲۶. قوام، سیدعبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰ش.
۲۷. لواسانی، سیدسعید، دائره‌المعارف حکومت و سیاست ۲؛ مفهوم دولت دینی، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ش.
۲۸. محمدی ری‌شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه (برگزیده ترجمه فارسی)، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳ش.
۲۹. محمدی، منوچهر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسایل، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷ش.
۳۰. مقتدر، هوشنگ، مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، ۱۳۵۸ش.
۳۱. مقتدر، هوشنگ، سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، مؤسسه خدماتی، تهران: انتشارات مفهرس، ۱۳۷۰ش.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ش.
۳۳. موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷ش.
۳۴. موسوی، سیدمحمد، دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۲ش.
۳۵. وینسنت، اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶ش.
۳۶. هالستی، کی جی، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه: بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵ش.